

روح القدس و کار او
درس ۱: روح القدس در عهد عتیق
دکتر آر. سی. اسپرول

هرچی مسن تر میشم، بیشتر تمایل دارم برای گذشته دلتنگی کنم، گذشته رو به خاطر بیارم، به سال‌های زندگیم نگاه کنم و به پشیمانی‌ها و تجربیاتی فکر کنم که در دوراهی گیر کردم و هر بار که این کار رو می‌کنم، البته که یک چیزی که توجهم رو جلب می‌کنه، رویداد بسیار مهمی هست که زندگیم رو بیش از هر دوراهی دیگه‌ای تغییر داد و اون هم ایمان آوردنم به مسیح بود.

منظورم اینه که البته این زندگیم رو زیر و رو کرد و یادمه وقتی این اتفاق افتاد، با هر کسیکه می‌شناختم، هر دوستی که داشتم، صحبت کردم و سعی کردم اونها رو به طرف مسیح هدایت کنم، ولی فایده‌ای نداشت و البته که بحران فوری من این بود که نامزد داشتم و پنج سال با این دختر بودم و چون او در دانشکده‌ای متفاوت از دانشکده‌ی من بود، برای او نامه نوشتم و با جزئیات، موقعیت ایمان آوردنم به مسیح رو توضیح دادم و اینکه این برای رابطه‌ی ما و بقیه‌ی چیزها چه مفهومی داره.

بعداً متوجه شدم که او فکر می‌کرد من کلاً عقلم رو از دست دادم، پس ماه‌های زیادی، از طریق تلفن و نامه و غیره، مباحثات زیادی با او داشتم و به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیدم، و بعد او به دانشکده‌ی ما اومد و به مدرسه‌ی کتاب مقدس ما در دانشکده اومد.

من عصر اون روز به دنبالش رفتم، و اون روز در طول صبح، روی زانوهایم برای او و این موقعیت دعا می‌کردم، و با کمال خشنودی، این زن در اون جلسه به مسیح ایمان آورد. و من با او ازدواج کردم. اما واکنش وستا نسبت به ایمان آوردنش رو یادمه.

روز بعد، این کلمات رو به من گفت، او گفت: "حالا می‌فهمم روح القدس کیه." و من فکر کردم این واکنش جالب و جذابی که شخص رو بلافاصله نسبت به مسیح بیدار می‌کنه و بیشتر در طول سال‌ها به اون فکر کردم، چون او در محیط کلیسا بزرگ شده بود و درباره‌ی روح القدس شنیده بود.

او دعای برکت تثلیثی رو به نام پدر و پسر و روح القدس شنیده بود، اما ادراک شخصی از روح القدس نداشت. اما چیزی که می‌خوام الان در موردش صحبت کنم، درحالی‌که بخش بعدی درسمون رو معرفی می‌کنم، "مروری بر الهیات" در زمینه‌ای هست که "روح القدس شناسی" یا مطالعه‌ی شخص و کار روح القدس می‌نامیم، چیزی که وستا در این تجربه‌ی بیداری به من گفت: "حالا می‌دونم روح القدس کیه."

و به نظرم این مهمه که او نگفت: "حالا می‌دونم روح‌القدس چیه." چون اگه دنیا درباره‌ی مسیحیت تصور بسیار نادرستی داره، اون تصور، دیدگاه ما نسبت به نوعی روح‌القدس که یک نیروی غیرشخصیه یا فقط قدرت فعال خداست، اما به عنوان یک شخص حقیقی که عضو شخصی تثلیث الهی هست، درک نمی‌شه.

دوباره، اگه به تعلیم عهدجدید برید، ببینید که عیسی چطوری درباره‌ی روح‌القدس صحبت می‌کنه، به نحوه‌ی نگارش رسولان درباره‌ی روح‌القدس نگاه کنید، جایی که به روح‌القدس به عنوان "او" اشاره می‌کنه و او کارهایی رو می‌کنه. اراده داره، دانش و آگاهی داره، علایقی داره. همه‌ی چیزهایی که تشکیل دهنده‌ی یک شخصه، در کتاب‌مقدس به خدای روح‌القدس نسبت داده شده.

اولین چیزی که باید درباره‌ی روح‌القدس درک کنیم، اینه که او "یک چیز" نیست. او شخصی هست، یکی از سه شخص در الوهیت هست. حالا، یکی از نکات گیج‌کننده در مطالعه‌ی روح‌القدس، رابطه‌ی بین عمل روح در عهدعتیق و نحوه‌ی ظهور روح‌القدس در عهد جدید و زندگی مسیحیان در زمان حاله.

پس می‌خوام زمانی رو به مرور مختصری از کار روح‌القدس در عهدعتیق اختصاص بدم، این به عنوان آماده سازی در درک بیشتر روح به شکلی هست که در عهدجدید برای ما مکشوف شده. اما بیایید به ابتدا برگردیم، چون در ابتدا، ما اول با مراجع کتاب‌مقدس درباره‌ی خدای روح‌القدس مواجه می‌شیم.

من مطمئنم که اکثر شما دقیقاً می‌دونید این کجاست. این در صفحه‌ی اوله. در باب یک پیدایش که این کلمات رو می‌خونیم: "در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید. و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه." اینها دو آیه‌ی اول پیدایش هستند. من در مجموعه‌های دیگه در مورد اینها توضیح دادم.

در مجموعه‌ی "خاک تا جلال"، به طور خلاصه به این پرداختیم، و کتابی رو درباره‌ی کل موضوع شخص روح‌القدس نوشتم که اسمش "راز روح‌القدس" هست. اما الان می‌خوام به اولین رویارویی مون با او بپردازم.

کتاب‌مقدس به ما می‌گه در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید. این یک توضیح درباره‌ی موضوعه.

و در آیه‌ی ۲ پیدایش، این به نوعی مشکل سازه و کمی باعث حیرت مفسران پیدایش شده، "و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه". شما "نظریه‌ی شکاف" معروف رو می‌دونید، من به خاطر معروفیتش این رو میگم، اما این در دنیای الهیات کتاب‌مقدسی اعتبار زیادی نداره، این ایده رو بیان می‌کنه که بین آیه‌ی ۱ و ۲، سقوط هست، و اینکه تنها آیه‌ی واقعی در پیدایش که به آفرینش اشاره می‌کنه، آیه‌ی ۱ هست.

بقیه به چیزی اشاره می‌کنند که بین این شکاف اتفاق می‌فته. اما در نظریه‌ی شکاف که از موضوع منحرف میشه، هنوز با این تصویر خلقت بی‌نظم در کشمکش خواهید بود. این در مقوله‌های تاریکی و تهی و بایر توصیف شده. زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه.

بعضی از شما قطعاً گاهگاهی قسمت‌هایی از کار کارل سیگن رو به نام "کیهان"، در تلویزیون PBS تماشا کردید و شاید حتی کتاب معروف سیگن رو با همین عنوان به نام "کیهان" خواندید، کتابی که به طور مهار نشدنی، پرفروشترین کتاب بود. و اگه با کار کارل سیگن آشنا باشید، به یاد میارید که کارل سیگن از مسیحیت دفاع نمی‌کرد.

او دانشمند بود و به مذهب متوسل نمی‌شد تا نظریه‌های علمیش رو پایه گذاری کنه. یکی از چیزهایی که درباره‌ی او برای من جالب بود، اینه که در صفحه‌ی اول کتابش به نام "کیهان"، این جمله تعصب آمیز رو بیان می‌کنه که جهانی که ما در اون زندگی می‌کنیم، "کیهان هست، نه هرج و مرج" و فرق بین کیهان و هرج و مرج، فرق بین نظم و سردرگمی هست.

فرق بین بی‌شکلی و شکل، و در مقوله‌های کتاب مقدسی، فرق بین تاریکی محض و روشنایی، بین جهان تهی که نهایتاً خالی از چیزهای مهمه و جهانی که پر و مملو از ثمره‌ی خالقه. پس اینجا در آیات اول کتاب پیدایش، اعلانیه‌ای شگرف از کیهان رو داریم.

و ما در این اعلانیه‌ی کیهان می‌بینیم که آیه‌ی اول، اصلیت جهان رو اعلام می‌کنه، نه آش شله‌قلمکاری که خودبه‌خود منفجر میشه و به طور جادویی، کیهان رو خلق می‌کنه، چنانکه خیلی از افراد فکر می‌کنند که اینطور بود، اما کسی که نویسنده‌ی نظمه، نه سردرگمی، یعنی خدا، دنیا رو خلق کرد. اما هنوز ما این مشکل رو داریم؛ دنیا تهی و بایر بود، تاریکی بر روی لجه بود، تا به کی؟

در آیه‌ی بعدی، برای اولین بار خدای روح‌القدس رو می‌بینیم. "و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت." حالا، کلمه‌ی دیگه برای فروگرفتن که در عهدجدید پیدا می‌کنیم، کلمه‌ی "روی تخم نشستن" هست. همون ایده‌ای که وقتی جبرائیل فرشته از طرف خدا به دیدار این زن دهاتی در ناصره فرستاده شد و به او گفت که قراره مادر بشه و او گفت: "این چگونه می‌شود و حال آنکه مردی را نشناختم؟" و فرشته به مریم میگه: "اینطوری همیشه

روح‌القدس بر تو خواهد آمد... از آن جهت آن مولود مقدس، پسر خدای متعال خوانده خواهد شد." و این فعل که درباره‌ی روح‌القدس گفته شده که بر او میاد، همون مفهومی رو داره که اینجا برای قدرت خلاق و تولیدکننده‌ی روح خدا بکار رفته، اینکه خدای روح‌القدس وارد این شرایط تاریکی، تهی و بایر میشه و فرومی‌گیره یا روی اون می‌شینه، همونطور که مرغ روی جوجه‌هاش می‌شینه تا حیات رو از این بارداری حاصل کنه، روح هم نظم و ماده و نور تولید می‌کنه و خدا میگه: "روشنایی بشود."

و روشنایی شد، و روشنایی پدیدار شد. اما دوباره می‌بینیم که روح‌القدس، همونطور که عهدجدید میگه، نویسنده‌ی سردرگمی نیست. او هرج و مرج تولید نمی‌کنه. و ما باید درک کنیم که روح خدا، روحی هست که از بی‌نظمی، نظم ایجاد می‌کنه، از نیستی، چیزی به وجود میاره، از تاریکی، روشنایی به وجود میاره. حالا، پس او در عهدعتیق چطوری عمل می‌کنه؟ البته اولین چیزی که یادمه، اولین باری که کتاب مقدس رو بعد از ایمان آوردنم خوندم،

یک سری چیزها من رو تحت تأثیر قرار داد. در اولین مطالعه‌ام، مثل خوندن یک کتاب داستان، تحت تأثیر ترسناک بودن خدا قرار گرفتم. من می‌شنوم که مردم همیشه به من میگن خدای عهدعتیق رو دوست ندارند.

اونها فکر می‌کنند که او ناخوشایند و عصبانی و بدجنسه. اما می‌دونید، من اون رو به عنوان یک ایماندار خوندم و درباره‌ی این تجلیات عدالت خدا و خشم خدا می‌خوندم و این هرگز اذیتم نکرد، چون شدیداً از گناهکار بودن خودم آگاه بودم، می‌تونستم درک کنم که کاملاً شایسته بود که این خدایی که کاملاً مقدسه، اینطوری در عهدعتیق در برابر گناه واکنش نشون بده.

من در این مورد هیچ شکایتی نکردم. چون اولین چیز، اولین چیزی که با مطالعه‌ی کتاب مقدس به ذهنم رسید، قدوسیت خدا بود. شکوه قاطع خدای پدر توجهم رو جلب کرد و هرگز همونطور که خیلی از افراد متوجه میشن، این رو کنار نذاشتم. اما دومین چیزی که در مطالعه‌ی دوم عهدعتیق توجهم رو جلب کرد، ایده‌ی قدرت بود، قدرت خدا، قدرت قاطع خدا.

وقتی زلزله یا طوفان یا انفجار آتشفشانی مثل کوه سنت هلنز رو داریم یا طوفانی که در دشت‌های ایالت اوکلاهاما و کانزاس جریان یافت و گزارش دادن ابری قیفی شکل که به اندازه‌ی یک مایل پهناش بود و می‌بینید که چه مصیبتی با این طوفان ایجاد شد، و تحت تأثیر قدرت طبیعت قرار می‌گیرید.

اما این چیزها در مقایسه با قدرت متعال خداوند کل طبیعت که فراتر از هر اتفاقی در این سیاره هست و در گستره‌ی کیهانی امور، قدرت داره جهان رو خلق کنه، چیزی زیادی نیست. و می‌بینید که این قدرت در عهدعتیق، عمدتاً با اصطلاح روح القدس ظاهر شده که به یونانی "دونامیس" خدا نامیده شده. و کلمه‌ی "دونامیس" به عنوان "قدرت" ترجمه شده. او روح قدرته. و شما می‌تونید حدس بزنید که به نظرم کدوم کلمه‌ی انگلیسی، از کلمه‌ی یونانی "دونامیس" میاد. می‌تونید حدس بزنید کدوم کلمه‌ی انگلیسی از این کلمه میاد- آیا به نظرتون این مثل یک کلمه‌ی انگلیسی هست که تا حالا شنیدید، "دونامیس"؟ آیا به نظرتون مثل یک کلمه‌ی انگلیسی هست که تا حالا شنیدید؟ اگر "یو" رو به "وای" تبدیل کنیم چی؟ دای- دای نا- کمکم کنید.

چی رو اگه روشن کنید، خیلی قدرتمند و منفجر میشه؟ دینامیت! خوبه. متوجه شدیم. دینامیت. کلمه‌ی "دونامیس" به انگلیسی منتقل میشه، فقط چند تا حرف رو تغییر میدید و دینامیت رو بدست میارید. چون این چیزیه که در مواجهه با قدرت خدای روح القدس در کتاب مقدس باهاش مواجه می‌شیم. حُب، می‌بینیم که این قدرت که در عهدعتیق ظاهر شده، عمدتاً به دو طریقه، یکیش رو مشخص کردیم: قدرت خلقت.

و دومی قدرت فدیّه هست، جایکه روح القدس، فعالانه به فرایند فدیّه کننده در عهدعتیق قدرت می‌بخشه. حالا به مقام سه گانه‌ی مسیح به عنوان نبی، کاهن و پادشاه پرداختیم. و گفتم که این سه مقام در عهدعتیق، مقام نبی، مقام کاهن و مقام پادشاه، مقام‌هایی برای واسطه‌ها بودند.

حالا می‌خوام چیز دیگه‌ای رو درباره‌ی این مقام‌ها بگم. اونها همگی مقام‌های کاریزماتیک بودند. اونها همگی مقام‌های کاریزماتیک بودند. حالا منظورم از این حرف چیه؟ و نبی، کاهن و پادشاه، تنها مقام‌های کاریزماتیک نبودند. اما شما در طول یک دوره‌ی خاص در اسرائیل، پیش از مسح پادشاهان، رهبران کاریزماتیک دیگه‌ای رو داشتید که داوران نامیده می‌شدند. حالا وقتی می‌گیم اونها کاریزماتیک بودند، به این معنی نیست که متعلق به کلیسای پنطیکاستی بودند؛ نکته این نیست.

نکته، مفهوم اصطلاح "کاریزما" در یونانی هست. که مربوط به مفهوم عطیه‌دار بودنه. کسانی که به طرز بی‌نظیری توسط روح‌القدس مسح شدند. شمشون، روح خدا بر او قرار گرفت و قدرت یافت که کارهای بزرگ و قدرتمندی رو انجام بده که با توان طبیعی و شناخته شده‌ی خودش نبود، بلکه به خاطر مسح یا عطیه‌ی کاریزماتیک از جانب خدا بود.

در مورد جدعون و انبیا هم همینطور بود. وقتی روح‌القدس بر اونها اومد، روح‌القدس برای خدمت‌شون به اونها قدرت بخشید. روح‌القدس، کاهنان رو برای خدمت مسح کرد. روح‌القدس، پادشاه رو مسح می‌کرد که کار پادشاهیشون رو انجام بدن. و البته کسی که بیش از همه در عهد عتیق عطیه‌ی کاریزما تیکی داشت، موسی بود، که این قدرت رو از خدا دریافت کرد تا قومش رو برای خروج رهبری کنه.

حالا، برای نشون دادن این نوع قدرتی که اینجا به طور فدییه دهنده در عهدعتیق کار می‌کرد، می‌بینیم که در طول خدمت موسی، پدرزنش، پترون، همه‌ی کارهای موسی رو مشاهده کرد و معلومه که موسی به نوعی، به خاطر اینها از خودش خشنود بود و به دستاوردهایش افتخار می‌کرد و به پترون توضیح داد و گفت: "می‌دونی، من همه‌ی مشاجرات قوم رو داوری می‌کنم، به اونها شریعت دادم، نزد خدا شفاعت می‌کنم. این کار رو می‌کنم، اونها رو برای خروج رهبری کردم، و فلان و فلان... و پترون به او نگاه کرد و گفت: "موسی، من متوجه شدم که کار تو خوب نیست." خوب نیست؟ منظورت چیه که خوب نیست؟ او گفت: "برای یک مرد خیلی زیاده که صدها هزار نفر رو رهبری کنه. تو باید این ملت جدیدی رو که تشکیل دادی، سازماندهی کنی و اونها رو به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم کنی."

و با الهام خدا، روح‌القدس به موسی میگه این کار رو انجام بده. پس موسی هدایت میشه که ۷۰ مردی رو که میشناسه، برای خودش جدا کنه تا مشایخ قوم بشن، و نکته‌ای که خدا میگه، اینه که "موسی، من روح‌القدسی رو که بر توست، برمی‌دارم و بین این ۷۰ مرد تقسیم می‌کنم تا اونها بتونند به این جماعت و اجتماع، در کنار تو خدمت کنند."

حالا، این مقطع زمانی خیلی مهمی در تاریخ عهدعتیق و گزارشش با جزئیات و همه‌ی طنزهایش در اعداد باب ۱۱ هست، جایکه خدا دقیقاً همین کار رو می‌کنه. روحی رو که بر موسی هست، بر میداره و به ۷۰ مشایخ دیگه منتقل می‌کنه و اونها نبوت می‌کنند و این در اونجا یک بحرانی ایجاد کرد.

اما اینجا چه خبره، دوباره قدرت مسح کننده‌ی روح القدس رو می‌بینیم که عملکردهای خاصی رو انجام میده. حالا، یکی از چیزهایی که ما رو سردرگم می‌کنه، اینه که فقط به خاطر اینکه یک نفر توسط خدای روح القدس در عهدعتیق مسح شده یا قدرت یافته یا توانایی یافته که بعضی از این تکالیف رو انجام بده، به این معنی نیست که اونها از روح القدس متولد شدند، به این معنی نیست که ضرورتاً نجات یافتند یا ضرورتاً ایماندار هستند.

ما می‌بینیم که روح القدس بر شائول قرار گرفت و بعد شائول رو ترک کرد. ما این رو در جایی می‌بینیم که کسانی مثل بلعام، ناخواسته، تحت قدرت و الهام روح القدس نبوت می‌کردند و افراد دیگه‌ای از این نوع که ضرورتاً ایماندار نیستند.

پس مسح روح القدس در عهدعتیق، در اکثر مواقع یک عطیه بود، عطیه‌ی خاصی که به ایمانداران عطا شده بود، اما نه فقط به ایمانداران، و با عطیه‌ی تولد دوباره یکی نبود. و ما خواهیم دید که چطور این در عهدجدید عمل می‌کنه.

اما ما تشابهاتی رو بین عهدعتیق و عهدجدید می‌بینیم، چون می‌بینیم که در عهدعتیق، اول، روح به عنوان یک چیز قدرت بخش فقط به افراد مجزا، به انبیا، کاهنان، پادشاهان، داوران، موسی، هنرمندان و صنعت‌گرانی عطا شده که توسط خدا فراخوانده شدند تا اسباب و وسایلی رو برای تابوت عهد بسازند.

راستی، اولین باری که عهدعتیق درباره‌ی پر شدن یک نفر از روح صحبت می‌کنه، درباره‌ی صنعت‌گرانه، هنرمندانی که به طرز منحصر به فردی از روح القدس بهره‌مند شده و عطیه گرفتند که کار صنعت‌گریشون رو انجام بدن. اما به نوعی، نکته‌ی بسیار مهم اینه که همه‌ی افراد اردوگاه، همه‌ی ایمانداران، این عطیه رو نداشتند.

ابعادش در عهدعتیق محدود بود و این چیزیه که موسی امیدوار بود که اتفاق بیفته و در آینده تغییر کنه، اینکه واسطه‌ی جدید، روحش رو بر میداره و فقط به ۷۰ نفر نمیده، بلکه به همه‌ی قومش میده و این قدرت بخشیدن برای خدمت، به کل کلیسا عطا میشه.

و این دقیقاً همون چیزیه که در پنطیکاست اتفاق افتاد و ما بعداً با جزئیات بیشتر اون رو بررسی خواهیم کرد. اما الان می‌خوام ببینیم که عملکرد مقدماتی روح القدس در عهدعتیق اینه که - ما درباره‌ی اون می‌خونیم، که به افراد مجزا قدرت می‌بخشه که اعمالی رو برای خدا انجام بدن.

این بدین معنا نیست که مردم در عهدعتیق از روح متولد نمی‌شدند. شما در عهدعتیق هم مثل عهدجدید نمی‌تونستید بدون عمل درونی تولد دوباره‌ی روح، ایماندار بشید، اما ما این رو در مبحث بعدی مون مورد توجه قرار خواهیم داد.